

26 words per day

Day 18

Word	Meaning
A ffect	اثر، اثر کردن، تظاهر کردن
B eef	گوشت گاو
C are	مراقبت، توجه، غم خوردن
D ear	گرامی، عزیز، محبوب
E levator	آسانسور، بالابرنده، بالابر
F emale	زن، ماده، مونث
G lad	خرسند، خوشحال، مسرور
H eel	پاشنه، پاهای عقب (جانوران)
I llustrate	نشان دادن، مصور کردن
J ewelry	جواهرات، جواهر فروشی
K nitted	کشاف، تافته، بافته
L ease	مرخصی، اجازه، رها کردن، گذاشتن
M edia	رسانه‌ها، واسطه‌ها
N ormal	عادی، معمولی، طبیعی، هنجار
O btain	گرفتن، فراهم کردن، به دست آوردن
P ersuade	وادار کردن، ترغیب کردن
Q	
R eact	عکس‌العمل نشان دادن، واکنش کردن
S ew	دوختن، خیاطی کردن
T ea	چای، رنگ چای
U ntil	تا، تا وقتی که، تا اینکه
V isit	بازدید، دیدار، دیدن کردن از
W ash	شستشو، شستن، پاک کردن
X	
Y	
Z	